

لزوم هنر در اجتماع

از دکتر مهدی فروغ

هنر بهر طریقی که ابراز شود پیوندی است ناگسستنی بین افراد يك قوم . بهمین جهت هنرهای زیبا بزرگترین و مؤثرترین عامل برای تقویت بنیان ملی اقوام محسوب میشود . زیرا آثار هنری حاصل ذوق مشترك افراد يك قوم میباشد . از بقایای روزگار پیشین آنچه جلوه هنری دارد امروز مایه مباهات ما و حفظ و حراست آن بر همه واجب است .

زندگی افراد اجتماع اگر بر فرهنگ و ادب استوار نباشد مغشوش و تاریک و تهی است . هنر و ادب زندگی را معنی میبخشد، آنرا تابان و درخشان میسازد و بر معرفت و تفاهم افراد می افزاید . بنا بر گفته ارسطو علم سیاست و مملکت داری نیز بر پایه های هنر استوار است . اگر روزی برسد که هنر تا این پایه در حیات و سرنوشت بشر رخنه کند مسلماً در های بهشت سعادت بروی اولاد آدم باز شده است .

وقتی زندگی بشر از آب و رنگ و وزیر و بم هنر تهی باشد در آن هدفی نمیتوان یافت و زندگی بی هدف با مرگ تفاوتی ندارد.

تأثیر هنر در تعلیم و تربیت کودکان و جوانان امری مسلم است و محتاج برهان و دلیل و مثال و شاهد نیست. تعلیم و تربیت در صورتی که با فضائل هنری توأم نباشد اگر زیان و خطری بیار نیاورد نتیجه مطلوبی هم بدست نخواهد داد و چه بسا که در مورد بعضی، مصداق و مفهوم دزد با چراغ را پیدا میکنند.

آنچه در کمال اختصار بیان شد گو که از بدیهیات است و زائد بنظر نمی آید ولی از آن جهت که در کشور ما متأسفانه هنر به مفهوم حقیقی خود هنوز شناخته نشده و در نظر عموم از زوائد و از مظاهر غیر ضروری زندگی محسوب می - شود تذکر آن لازم بنظر رسید.

بهر حال راجع به لزوم هنرهای زیبا در اجتماع و اهمیت آن از آن لحاظ که موثرترین رشته ارتباط بین افراد هر قوم است لازم نیست بیش از این گفته شود باین جهت این مقدمه را بهمین جا ختم میکنیم و به اصل مطلب میپردازیم.

بعضی از هنرهای زیبا بعلل و جهاتی، در کشور ما زمینه مساعدی برای رشد و ترقی داشته و سابقه و سنتی بوجود آورده است و برای بعضی این سابقه و سنت موجود نیست. مثلاً در موسیقی پدران ما از قرنهای پیش خدمات فراوانی به پیشرفت این علم کرده اند و لاقلاً از هزار سال پیش علما و هنرمندان معروفی در این رشته در سرزمین ما ظهور کرده و کتب و رسالاتی از خود باقی گذاشته اند. گویانکه درباره تحقیقات و تصنیفات آنها تا کنون مطالعه و دقت کافی نشده ولی نام دهها نفر آنها اکنون بر ما معلوم است و آثار چند نفری از آنها در دست و مورد استفاده و استناد است و میتوان گفت که موسیقی خالص ما یعنی آن موسیقی که از نفوذ موسیقی ترك و عرب و هند و اسپانیا و زنگبار بدور مانده نتیجه ذوق و تبعی است که پدران ما کرده اند. حکیم ابو نصر فارابی و ابن سینا و صفی الدین ازموی و عبدالقادر مراغی و قطب الدین شیرازی و زریاب بصری همه از بزرگان علما و دانشمندان هستند که در موسیقی و هنرهای دیگر حجت بوده اند. عبدالقادر معروف به ابن غیبی در انواع مختلف هنر زمان خود تبحر و تسلط داشته است و تحقیقات و نظرات او مبنی بر تحقیقات باربد نوازنده و مصنف زمان خسرو پرویز است.

اگر بخواهیم به کتب و وسائلی که از علمای بزرگ قدیم دربارهٔ موسیقی برای ما باقی مانده اشاره کنیم مطلب طولانی میشود ولی ذکر بعضی از آنها در اینجا بی فایده نیست: مفاتیح العلوم ابو عبدالله محمد ابن احمد بن یوسف خوارزمی؛ اخوان الصفا؛ بهجت الروح - و کتاب ادوار - و رسالات الشرفیه - و شرح الادوار همه از تصنیفات صفی الدین عبدالؤمن؛ جامع العلوم فخرالدین رازی؛ دانشنامه علانی در علم موسیقی و کتاب شفای ابن سینا؛ کتاب الکافی فی الموسیقی تصنیف ابو منصور شاگرد ابن سینا؛ احصاء العلوم فارابی؛ نفائس الفنون محمد بن احمد عاملی و جامع الالحن عبدالقادر معروف به ابن غیبی؛ و درة التاج قطب الدین شیرازی؛ و کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی؛ و سفرنامه ناصر خسرو؛ و حتی کشف الظنون حاج خلیفه؛ و احیاء العلوم غزالی و دهها کتاب و رساله دیگر معرف سابقه درخشان ما در علم و عمل و سنت موسیقی است.

متأسفانه برای تحقیق و تتبع در این کتابها اقدام مقتضی تا کنون بعمل نیامده و این وظیفه بزرگ فرهنگی و ملی بر عهده هنرهای زیبای کشور است که مقدمات و تسهیلات برای طبع و نشر آنها فراهم آورد. در نقاشی و معماری و کوزه گری و کاشی سازی و حجاری نیز ما دارای سنتهای پراچ هستیم و سابقه ما در هر یک از این هنرها به متجاوز از بیست و پنج قرن میرسد. حجاریها و معماریهای تخت جمشید و طاق بستان و نقشهای کوزهها و ظرفهای سفالی و برنزی و نقاشیها و مینیاتورها دوره تیموری و صفوی همه برای ما سابقه و سنت استوار باقی گذاشته است.

اما بعضی از هنرها در ایران بی سابقه است و برجوانان هنردوست کنونی است که زمینهٔ رواج آنها آماده سازند. از جمله شیوههای مختلف هنرهای دراماتیک و مخصوصاً اپرا و انواع موسیقیهای دسته جمعی از قبیل موسیقی سمفونیک است.

اپرا در حقیقت نمایی است توأم با موسیقی و عالیترین نمونهٔ رشد فکری و ذوقی بشر محسوب میشود و در واقع ترکیبی است از کلیه هنرهای زیبا. بعبارت دیگر شعر و موسیقی و نقاشی و رقص به شیوهها و جلوههای مخصوص خود در آن موجود است و چشم و گوش هر دو از دیدن و شنیدن آن محظوظ میشود. بدیهی است اگر کسی از شعر خوشش آید و از موسیقی

نیز لذت ببرد اگر شعر را از دهان خواننده‌ای خوش لحن و به‌مراهی موسیقی بشنود لذتش چندین برابر میشود .

چون همانطور که بیان شد ما در این زمینه سابقه‌ای نداریم مجبوریم برای فراگرفتن فنون و رموز آن به مللی که در این رشته سابقه و زمینه مساعدی داشته‌اند متوسل شویم . ابراهیم مثل هنرهای زیبای دیگر مبنایش بر علم و ذوق و احساس و ادراک است . پس اکنون که آغاز کار ماست باید رموز و اصول آنرا از مللی که در آن سابقه دارند بیاموزیم و وقتی که در بکار بردن آن رموز و اصول مسلط و ورزیده شدیم ممکن است ابراهیمی بر اساس افسانه‌های قدیمی ایران و ادبیات پرمایه فارسی بوجود بیاوریم .

مرکز پیدایش ابراهیم منطقه فلورانس است . این شهر در شمال ایتالیا است و در قرنهای پانزده و شانزده یکی از مراکز عمده ترقی هنرهای زیبا بوده است . ابراهیم در اواخر سده پانزدهم در همین شهر بوجود آمده و ملل دیگر بتدریج آنرا از آنها اقتباس کرده‌اند . اول در خود ایتالیا رواج یافت و بتدریج به آلمان و فرانسه و روسیه نفوذ کرد . هر یک از این ملل - که البته بعداً از خود مصنفان بزرگ ابراهیم داشته‌اند - ابتداء مجبور بوده‌اند با مشاهده و ملاحظه ابراهیمی که توسط هنرمندان ایتالیایی در سرتاسر اروپا اجرا میشد به رموز و فنون و اصول و قواعد آن واقف شوند . ما فعلاً در مرحله اولیم و این مقدمه ایست . باینکه روزی ما هم موفق شویم مثل ملل بزرگ جهان مصنفانی مانند واگنر آلمانی و گونو فرانسوی و موسورگسکی روسی و وردی ایتالیایی بجهان هنر و ادب تحویل دهیم و آثار فنا ناپذیری مبتنی بر آداب و سنن و رسوم و فرهنگ ملی خود بوجود آوریم .

امیدواریم در دنباله این مقال بتوانیم درباره تاریخ پیدایش و نکات فنی و مصنفان بزرگ ابراهیم مطالبی به اطلاع خوانندگان گرامی مجله موسیقی برسانیم .